

**احمد رضا صدری**

روزی‌هایی که پر مایه‌ی گذرد، تداعی‌گر سالروز رحلت عالم مجاهد، زنده‌یاد آیت‌الله محمدرضا مهدوی کنی است. هم از این روی و با نظر به مدت طولانی تصدی تویلت مدرسه علمی خان مروی توسط آن بزرگ، مقال ذیل به شما تقدیم می‌شود. شایان ذکر است که آن فقید سعید، در طول عهده‌داری این مسئولیت با حکم امام خمینی، این کانون علمی را به گونه‌ای همه‌جانبه ارتقا بخشید. مستندات این نوشتار، بر تارنمای مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران آمده است. امید آنکه مقبول افتد.

**محسن لبانی: او حقیقتاً حوزه مروی را به گونه‌ای همه‌جانبه ارتقا داد**

حاج محسن لبانی، در زمره بزرگان فاضل تهران و یاران دیرین انقلاب اسلامی و رهبر کبیر آن است. وی از دیرباز، با حوزه علمیه مروی تهران در ارتباط بوده و ضمن تحصیل، شرایط آن را از نزدیک مشاهده کرده است. لبانی پس از انتصاب زنده‌یاد آیت‌الله محمدرضا مهدوی کنی به تویلت این مدرسه، به‌عنوان یکی از همکاران شاخص وی، مشغول به کار شد و در تحولات همه‌جانبه این کانون علمی، سهمی گشت وی پس از سال‌ها و به اجمال، این تغییرات را به شرح ذیل روایت کرده است:

«بنده محسن لبانی، در سال ۱۳۰۸ ش، در تهران به دنیا آمدم. تحصیلات ابتدایی خود را تا کلاس ششم در مدرسه تمدن به پایان رساندم. در کنار کار در بازار تهران، در حوزه علمیه مروی به علوم دینی روی آورد و در سال‌ها در حوزه مروی، به تحصیل اشتغال ورزیدم. خاطر م هست که کتاب تبصره را از مرحوم آقای غفاری در مدرسه اقاممورد در سرچشمه استفاده کردم. بنده قبل از انقلاب، خدمت آقای صدر رضوی شرح لمعه می‌خواندم، سپس نزد مرحوم آقای سبط مکاسب را شروع کردیم. در درس فلسفه میرزا مهدی آشتیانی – که در واقع خارج فلسفه می‌گفت و از اشارات و منظومه و اسفار استفاده می‌کرد – شرکت می‌کردم. از اصول عقاید مرحوم آیت‌الله میرزا احمد آشتیانی هم استفاده می‌کردیم. میرزا احمد تورات عیسیی داشت و آیتی از آیات عظام بود. خدا رحمتش کند. فلسفه را خدمت مرحوم آیت‌الله ابوالحسن شحرانی(ره) خواندم. ایشان شرح منظومه و اشارات می‌فرمودند و ما استفاده می‌کردیم. مدتی پس از انقلاب، حضرت امام(ره) حضرت آیت‌الله مهدوی کنی (رضوان الله تعالی علیه) را برای تویلت مدرسه مروی برگزیدند. بنده هم چون در خدمت آیت‌الله مهدوی کنی در کتاب خمس و نماز جمعه حضرت آیت‌الله مهدوی کنی در کتاب خمس و نماز جمعه شرکت می‌نمودم، از سوی ایشان به عنوان ناظر بر موقوفات منصوب شدم. سابق بر این هم در خدمت حضرت آیت‌الله حاج شیخ محمدباقر آشتیانی بودم و با هم سفرهایی هم رفتیم. از جمله سفر به مکه، مصر، لبنان و... من تا زمان حیات ایشان در خدمتشان بودم. مسئولیتی نداشتم، ولی می‌دیدم که چه کارهایی در مدرسه می‌شود و متأثر می‌شدم. آقای آشتیانی یک روحانی باتقوا و پسا درایت و شایسته‌ای بودند، ولی ما نمی‌توانستیم در امور دخالتی نکنیم و حرفی بزنییم، چون مسئولیتی نداشتم و حرفمان پذیرفته نمی‌شد. مدرسه در اختیار کسانی بود که توجهی به مسائل دینی نداشتند! اینجا خیلی وضع خرابی داشت و آشفته بود. مدتی به این محبت که درس نمی‌خواندند و حجره‌ها را اشغال کرده بودند و خالی هم نمی‌کردند! بالاخره آنها امجور به تخلیه حجره‌ها کردیم. وقتی حضرت آیت‌الله آشتیانی مرحوم شدند، وقف‌نامه را خدمت امام (رضوان الله علیه) در مدرسه تویلت خود، که در آنجا تویلت حوزه علمیه مروی را طی حکمی، به حضرت آیت‌الله مهدوی کنی دادند. طبق وقف‌نامه، غیر از تویلت، یک نفر هم باید به عنوان ناظر باشد، لذا با پیشنهاد حضرت آیت‌الله مهدوی کنی، حقیر به عنوان ناظر انتخاب شدم و بر دستخط خودشان هم حکمی برای بنده نوشتند که موجود است. وظیفه ما نظارت بر تمام امورات مدرسه بود. من بر تمامی نقل و انتقالات و دخل و خرج‌ها نظارت داشتم. البته حضرت آیت‌الله مهدوی کنی، بحث داخلی (قسمت‌های داخلی مدرسه) را جدا کردند و جز حوزه فعالیت بنده نیست. یک کالت ما از ایشان دارم که به جای منوئی، در جاهایی که امضای منوئی لازم باشد، (مثل ثبت اسناد) امضا می‌کنم. ما وقتی دفتر موقوفه را تحویل گرفتیم، یک سری پرونده نامنظم اینجا بود! یک چیزهایی سرهم کرده بودند که صدر و ذیل درستی نداشت! ولی حالا همه رقبات، پرونده دارند و کارشناسی و کدبندی شده است. همه اینها منظم شده‌اند که این کار مروون زحمات مرحوم آقای کیانی و کارمندان موقوفه است. این مدرسه، جزو مدرسه‌های نمونه است. از نظر کیفیت، بسیار مطلوب است. ما وقتی خدمت آقای رضوی درس می‌خواندم، ویلچر نداشتم. روی آن بنشینیم! چراغ و نور نداشتم، ولی حالا حجره‌ها فرش و شوفاژ و امکاناتی از این قبیل دارد. الان به حجره‌داران، سه وعده غذا داده می‌شود، در حالی که آن زمان، از این خبرها نبود. حتی داخل مدرسه، حجام نداشت! خدا خاں مروی را رحمت کند که فکر همه چیز را کرده بود. در کوچه مروی حکمی اسنادت و وقف‌طالب کرده بود. این حساب بعدها مسلوب‌المنفعه شده و بنا داریم آن را تجدید بنا کنیم که منافعیش برای حوزه باشد. از وقف‌نامه می‌شود فهمید ایشان چقدر دقیق بودند. من فکر می‌کنم مرحوم خان مروی، نیت پائی داشته است. طالب باید از زحمات حضرت آیت‌الله مهدوی کنی، خیلی شکر گزار باشند! چون در این سال‌ها، ایشان در اینجا خیلی زحمت کشیده‌اند. موقوفه کار زیاد دارد. من از خدایم خواهم که ما به همه مسئولان امر توفیق دهد تا راهی را که رضای اوست برویم و انجام وظیفه کنیم تا شرمسار نباشیم. اگر کسی به این مدرسه خدمت نکند، مسئول است. الهی! ما آنچه از دستمان برمی‌آمد عمل کردیم. توبه کرمت قبول فرماید! آمین یا رب العالمین...»

**محمد جواد کیانی نیا: احیای موقوفات مدرسه با دشواری‌های فراوان همراه بود!**

مرحوم محمدرضا مهدوی کنی در زمان زنده‌یاد همکاران زنده‌یاد آیت‌الله محمدرضا مهدوی کنی در احیای موقوفات مدرسه مروی بوده است. وی در دوران این خدمت، فراز و نشیب‌های فراوان را تجربه کرد که شمه‌ای از آن در روایت ذیل آمده است:

«بنده محمدجواد کیانی نیا هستم و در سال ۱۳۱۸ در تهران به دنیا آمدم. در دانشگاه تهران در رشته مدیریت تحصیل می‌کردم که انقلاب شد و دیگر دنباله آن را نگرفتم! مدتی در سازمان امور اداری و وزارت راه و بنیاد شهید کار می‌کردم. مدتی هم در شورای هماهنگی نهادها، در خدمت مرحوم آیت‌الله مهدوی کنی بودم. بعد از بنیاد شهید، مدتی



۱۳۹۰، آیت‌الله محمدرضا مهدوی کنی در مراسم عیال‌گاری طلاب حوزه علمیه مروی تهران

**زنده‌یاد آیت‌الله محمدرضا مهدوی کنی و احیای موقوفات مدرسه علمیه مروی تهران در آیین ۲ روایت با حضور او**

**وقف‌نامه این مدرسه کهن احیاشد**

معاون اداری و مالی بنیاد مهاجران جنگ تحمیلی بودم و سرپرست آنجا شدم. در این زمان در حین انجام مأوریت، تصادف شدیدی کردم و بسترستی شدم. در مدت بیماری، آیت‌الله مهدوی کنی واقعا به من محبت کردند. پس از آنکه بهبود پیدا کردم، آقای مهدوی کنی به من فرمودند: به دانشگاه امام صادق(ع) بروم و در آنجا مسئول امور اداری شدم. نهایتاً همه کارهایی را از آنها کردم و به مدرسه مروی رفتم. بنده به مرحوم آقای مهدوی کنی ارادت خاصی داشتم و احساس می‌کردم در اواخر عمر، دارم نوکری یکی از نوکرهای امام زمان(عج) را می‌کنم، لذا در خدمت ایشان بودم تا روزی که ایشان بگویند انجام وظیفه کنم و روزی هم که بگویند برو، تکلیف از من ساقط است! در مدرسه مروی ماندم و در زنده کردن موقوفات آنجا بسیار موفق بودم. ایشان چهار شنبه‌ها به مدرسه مروی تشریف می‌آوردند. یادم هست ظهرها که وقت ناهار می‌شد، پول ناهار خود یا اطرافیشان را از حق‌التولیه خودشان می‌پرداختند. اوایل که به مدرسه مروی آمدم، می‌خواستستم کیف بخرم. ایشان فرمودند: واقف نگفته است که از پول کیف بخری! گفتف: من نمی‌توانم پرونده‌های مدرسه را در بقچه بگذارم و این با هزینه خودشان ماشین خریدم و در اختیار ما قرار دادند. همیشه می‌فرمودند: از کل طلبه‌هایی که درس می‌خواند، اگر فقط یک نفرشان هم آیت‌الله برجردی می‌شود، برای ما کافی است، البته امیدوارم همه این طوطر شوند! بنده قبلاً در دانشگاه امام صادق(ع)، به عنوان مدیر امور اداری مشغول خدمت بودم که در دی ماه سال ۱۳۶۵ آقای مهدوی کنی مرا خواستند و گفتند: به مدرسه مروی بیا، بنده با شما کار دارم. بنده به مدرسه مروی رفتم و ایشان فرمودند: بروید و دفتر موقوفات مروی را تحویل بگیرید. در آنجا آقای سعید مهدی گلپایگانی امور جاری دفتر را انجام می‌داد. برادر ایشان در دوران ریاست جمهوری آقای هاشمی‌رفسنجانی، وزیر علوم بود. رفتم و دیدم پرونده زیادی آنجا نیست! آقای گلپایگانی گفتند: تمام پرونده‌ها

در اداره اوقاف است و ما اینجا پرونده زیادی نداریم. مراتب را به عرض آقای مهدوی کنی رساندم و ایشان فرمودند: همان‌هایی را که هست، تحویل بگیر. بد ابتدا مکاتبات و پرونده‌های موجود دفتر را مطالعه کنید و سپس به آقای حاج عباسی که رئیس اداره اوقاف شرق تهران بود، مراجعه کنید. در دفتر مدرسه مروی، پرونده‌های برای پیگیری مسائل وجود ندارد و گفته‌اند همه پرونده‌ها اینجا هستند. بعد هم پیام مرحوم آقای مهدوی کنی را مبنی بر دریافت پرونده‌های مدرسه مروی به ایشان رساندم و راهنمایی و کمک خواستم. ایشان هم انصافاً از هیچ کمکی دریغ نکردند و تمام پرونده‌های مدرسه مروی را قبل از آن کسی طبق سابق اداره اوقاف به این شکل کار می‌کرد که تمام پرونده‌ها به اداره اوقاف می‌رفتند و منوئی وقف، عملاً کارهای نبود! در آمد موقوفات را هم خود اداره وقف جمع‌آوری می‌کرد، اما طبق وقف‌نامه مدرسه مروی، باید اعلام عملی تهران منوئی آنجا و صاحب اختیار کامل باشد. در رژیم گذشته اداره اوقاف، از مستأجران اجاره‌ها را می‌گرفت و خودش به مدرسه مروی بوجه می‌داد. همه این مطالب را به عرض مرحوم آقای مهدوی کنی رساندم. مرحوم آقای مهدوی کنی با آقای امام جمالی نیا که زمان نمایندگی ولی‌فقیه و سرپرست سازمان اوقاف بودند – تماس گرفتند و ایشان بودند که دستور دادند همه پرونده‌های مدرسه مروی به من تحویل داده شود. بنده به مدرسه مروی رفتم و در پیج و خم‌های اداری یک گیره گذاشتم. همکاران را کردند و همه پرونده‌ها را کدگذاری کردیم. برخی از موقوفات مدرسه، عبارت بودند از بازار بزرگ، پامنار، قمی‌آباد، دماوند، کوچه مروی، خیابان حرم حضرت عبدالعظیم(ع) – که موقوفه مرحوم حاج ابوالحسن معمار بود – کوچه اسدی شمیران و از این قبیل. بنده با کمک چند کارمند کاربند، مستأجران را شناسایی کردیم و برای همه آنها پرونده تشکیل دادیم تا بتوانیم حقوق موقوفه را دریافت کنیم و برای این کار، فیش‌هایی را چاپ کردیم. بعد به نام مرحوم آقای مهدوی کنی، حساب‌های جداگانه – که هر کدام مربوط به یک موقوفه بودند – باز کردیم. مثلاً اجاره کوچه مروی، متعلق به مدرسه بزرگ و اجاره پامنار متعلق به مدرسه کوچک است. به مستأجران هم اعلام کردیم، بدهی‌های معوقه و اجاره‌های خود را حداکثر

**پیش‌گامان نهضت**

**نظری و گذری بر وقایع‌نگاری زنده‌یاد آیت‌الله محمدرضا مهدوی کنی**

**از خیل پیشگامان نهضت اسلامی ایران**

**محمدرضا کائینی**



چندی پیش به همت مرکز اسناد انقلاب اسلامی، خاطرات عالم مجاهد زنده‌یاد آیت‌الله محمدرضا مهدوی کنی بازنشر شد و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفت. این اثر نسبت به چاپ نخست، امتیازاتی دارد که ناشر آن را به شرح ذیل و در دیباچه آن مورد اشاره قرار داده است: «انتشار خاطرات حضرت آیت‌الله مهدوی کنی به سال ۱۳۸۵، داده‌های بسیار حائز اهمیت را به موجودی تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی ایران افزود. نظر به نقش و جایگاه دقت اهل نظر و علاقه‌مندان این مجموعه مورد احترام، مهم‌راوی محترم، این مجموعه مورد دقت اهل نظر و مسائل ایران قرار گرفت و انقلاب اسلامی و مسائل ایران قرار گرفت و جذابیت و ذی‌قیمت بودن آن، موجب گردید که در اندک زمانی چاپ اول کتاب به اتمام رسد و مقدمات چاپ دوم فراهم گردد. برای چاپ دوم، راهی گرانقدر بار دیگر اثر حاضر را با دقت شایان توجه مطالعه و محتوا را مورد تجدینظر قرار دادند و نکات و اسنادی را براندان افزودند. این تجدینظر از آن جهت لازم آمد که پس از انتشار اثر حاضر، اظهار نظری مختلفی درباره آن ابراز گردید. مجموعه اظهار نظرهای مکتوب صورت گرفته را می‌توان به سه بخش: الف- تمجید از شخصیت اخلاقی و سیاسی راوی محترم و رعایت بی‌طرفی و انصاف توسط ایشان، ب- تقدیر و ایراد بر برخی سخنان راوی و ج- برداشته‌های جدید از آنچه در حوزه تحولات سیاسی و طبیف‌بندی سیاسی خصوصاً نسبت به خط امام(ره) رخ داده، تقسیم کرد. آنچه در همه این اظهار نظرها جلوه‌گر است، اینک همچنان انقلاب

**محمدرضا کائینی**

ایران میبذول داشته است. این تلاش بر اساس مقتضیات زمان و مکان، صور مختلف یافته و نوساناتی به خود دیده، اما اصل قضیه همواره دنبال شده است. همکاری نزدیک علمای شیعه با پادشاهان صفویه، شکل‌گیری حکومت موزی علما در زمان قاجاریه و مبارزه علما با پهلوی‌ها، جلوه‌هایی از این قضیه را به نمایش گذاشته است. مهم‌ترین گام را در این عرصه، حضرت امام خمینی(ره) با ایجاد و رهبری نهضت اسلامی ایران، از سال ۱۳۴۱ برداشتند و با طراحی مدل جدید حکومت جایگزین را با همت و مساعدت جدی، حکومت ملت‌پران، تشکیل و برای همیشه به سنت تاریخی سرسپردگی پایان دادند و حکومتی مستقل از جریان‌های حکومتی موجود، در جهان ایجاد کردند. یکی از طیف‌هایی که در روشن‌نگه تبعید و سپس کمک به پیروزی نهضت و ایجاد تحکیم نظام جمهوری اسلامی از خود رشادت‌ها و مساعی فراوان بروز دادند، شاگردان امام(ره) بودند که با بهره‌گیری از دم مسیحیایی ایشان، به استوانه‌های انقلاب اسلامی تبدیل شدند و در این راه همتی چنان‌که به خرج دادند.»

این مقدمه در ادامه خویش، به نقش حضرت آیت‌الله مهدوی کنی در فرآیند انقلاب اسلامی و ادوار گوناگون آن به شرح ذیل اشاره کرده است: «آیت‌الله محمدرضا مهدوی کنی از شخصیت‌های مشهور و معروفی است که با سیراب شدن از مشرب روح‌اللهی امام خمینی(ره)، سال‌های نهضت، انقلاب و نظام جمهوری اسلامی را در متن حوادث قرار داشته و انجام وظیفه نموده است. بهترین راه برای شناخت معطیله، یادآوری این فرمایش منقول از حضرت امام(ره) است: من به ایشان آیت‌الله مهدوی آرات داشتم، دارم و خواهم داشت! یکی از ماندگار ترین خدمات ایشان، تأسیس مرکزی علمی چون دانشگاه امام صادق(ع) است که تاکنون بر کات عظیمی داشته است. تقدیم ۴۰ شهید از میان ۴۰۰ دانشجوی در



۱۳۶۰، دیدار آیت‌الله محمدرضا مهدوی کنی، با خانواده شهدای شهرداری در دوران تصدی نخست‌وزیری

دوران دفاع مقدس و کسب‌عالی‌ترین مبارج علمی در میان خیصل دانش‌آموختگان آن، بی‌استاد موقعیت ممتاز این نهاد مقدس علمی است. در همین روزها که مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان و دانشجویان دانشگاه در غدیر ۱۳۸۴ می‌فرمایند: دانشگاه امام صادق(ع) یک پدیده ممتاز است، می‌خواهد از همه جهت یک الگوی دانشگاه اسلامی باشد، از جهت انگیزه‌های ایمانی، رعایت‌های علمی و رفتاری و عشق به علم و علم‌آموزی عاشقانه و مؤمنانه! بخشی از خاطرات آیت‌الله مهدوی کنی که در این اثر گرد آمده، می‌تواند از یک سو بر غنای ادبیات تاریخ فعالیت نیروهای مذهبی در ایران تأثیر بگذارد و از سوی دیگر زمینه‌ها برای کاشوف‌ها و تلاش‌های علمی بیشتر در این حوزه باشد که به دلایل مختلف مغفول مانده است و همن‌غفلت، عدم توازن عجیبی در ادبیات تاریخ معاصر ایران ایجاد کرده است که در نهایت به قلب حقایق تاریخی انجامیده است! حق زیادی که ایشان بر گردن این کمتترین و امثال بنده داشته، دارند و خواهند داشت و لطفی که همواره به بنده داشته و دارند، ایجاب می‌کرد که ضبط، تدوین و انتشار خاطرات ایشان را پیگیر باشم. زمانی که از مرداد ۱۳۷۷ تا اواخر بهمن ۱۳۷۸ تصدی معاونت اطلاع‌رسانی مرکز اسناد انقلاب اسلامی بودم و ضبط خاطرات در این معاونت انجام می‌شد، ضبط خاطرات ایشان را به کمک همکار موجودیت ایران را به شکلی کشوری معتزل قرار داد و با موفقیت معظم‌له، سرانجام در مدتی نه چندان کوتاه ضبط خاطرات به پایان رسید. در سال‌های پایانی تصدی اینجانب بر معاونت پژوهشی مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تدوین خاطرات معظم‌له را به کمک یکی از دانش‌آموختگان دانشگاه امام صادق(ع) به نام آقای رضا طلابی‌ارکانی متقبل شدم و به‌رغم مسئولیت اداری و اشتغالات دیگر، این مهم پس از مدتی به انجام رسید...»

اسلامی ایران و آنچه بدان تعلق دارد، مورد عنایت ویژه و حساسیت همه ایرانیان قرار دارد و این جای بسی خوشحالی است. اکنون که با عنایات و مدد الهی، چاپ دوم این خاطرات به زیور طبع مزین می‌گردد، جای آن دارد که از همه صاحبان اندیشه و علاقه‌مندان به حوزه مطالعاتی انقلاب اسلامی ایران تقاضا کنیم که با مطالعه این اثر، نظرات اصلاحی و تکمیلی خود را از ما دریغ ندارند.»

همانگونه که در دیباچه فوق آمده اشارت رفت، چاپ نخست خاطرات آیت‌الله مهدوی کنی در سال ۱۳۸۵ عرضه شد و مورد استقبال قرار گرفت. دکتر غلام‌رضا خواجه سسروی در مقدمه‌ای که بر این چاپ نگاشته است، نخست به نقش دین و روحانیت در تحولات اجتماعی و تاریخی ایران و جهان پرداخته و می‌نویسد: «گاهی به تاریخ تحولات ایران بعد از اسلام حکایت از آن دارد که دین اسلام و مذهب شیعه، در زمینه‌های مختلف با هدف ایجاد ایرانی اسلامی، سربلند، آزاد و آباد، نقش آفرینی کرده‌اند که این نقش آفرینی از سطوح مختلف بر خود دار بوده است. شاید بتوان مهم‌ترین سطحی را که مذهب تشیع در ایجاد آن دخیل بوده، شکل‌دهی به هویت ملی ایرانیان، کمک به ملت‌سازی دانست، طوری که نمی‌توان در هیچ حالی کشور و ملت ایران را جدا از دین اسلام و مذهب شیعه تصور کرد. در همین هویت اسلام نهاد بوده که عزت‌جویی ایران را به شکلی کشوری معتزل قرار داد و در طول تاریخ حفظ کرده است، به طوری که در میان کشورهای جهان، کشور ما از معدود کشورهای است که هیچ‌گاه استقلال خود را از دست ندهاده و مستعمره کشوری دیگر قرار نگرفته است. برچمرداری این حرکت دینی- ملی را روحانیت شیعه عهده‌دار بوده است. روحانیت با تعهدی که به حفظ مکتب و اصول اسلام داشته، ایران را پایگاه و اقل‌الری اسلام دانسته و تمام تلاش خود را در جهت حفظ توأمان اسلام

خاتونه در مدرسه مروی تهران ۱۳۹۲، آیت‌الله محمدرضا مهدوی کنی در حال پیج

